

در حالیکه مسأله تجدید حیات اسلام و نهضت بنیادگرایی، موضوع و انگیزه انتشار کتابهای پشماروی درباره اسلام و کشورهای عربی شده، سایر درگیریهای فکری در میان اندیشمندان معاصر عرب از توجهی درخور محروم مانده است. برخلاف جریان جاری، نویسنده کتاب حاضر، دکتر عیسی. ج. بلاطه، بر آن است که برخی خطوط فکری و مباحث امروز روشنفکران عرب را که علی‌رغم اهمیتشان در این جریان تحت الشعاع قرار گرفته‌اند مورد مطالعه قرار دهد. اهتمام اصلی نویسنده در این کتاب بررسی درگیری روشنفکران معاصر عرب با اندیشه نوگرایی [modernity] است. در این کتاب سعی شده برداشت تعدادی از روشنفکران دنیای عرب از فرهنگ خود و جهان معاصر که در آن می‌زیند ارائه گردد. همچنین تلاش آنان برای تغییر خود، برخی از عناصر جامعه و فرهنگ خویش، و موانع

یک سیستم خودسرانه کنترل اجتماعی در دنیای عرب است که به طور خائنانه‌ای وابسته به سیستم سلطه جهانی است و سبب ابقای شرایط موجود می‌گردد. همچنین مشروعیت رژیمهای سیاسی عرب مورد سؤال است موضوعی که به اعتقاد برخی از روشنفکران، تنها راه حل آن، یک تغییر بنیادی است.

خود بازنگرایی روشنفکران عرب در طول دو دهه گذشته، هرچند سبک فکری خاصی را پدید نمی‌آورد، اما گرایشات گوناگونی داشته که نویسنده باورترین آنها را به سه دسته عمده تقسیم می‌کند:

اول، گروهی از روشنفکران عرب که چیزی جز یک انقلاب فرهنگی را کارساز نمی‌بینند. آنان هرچند به یک اندازه رادیکال نیستند ولی عموماً به چپ‌گرایی دارند و هدفشان دگرگون ساختن جامعه و تزئین و تلقین ایده‌ها و ارزشهای جدید به آن است. به نظر آنان فرهنگ عربی آنچنان باید

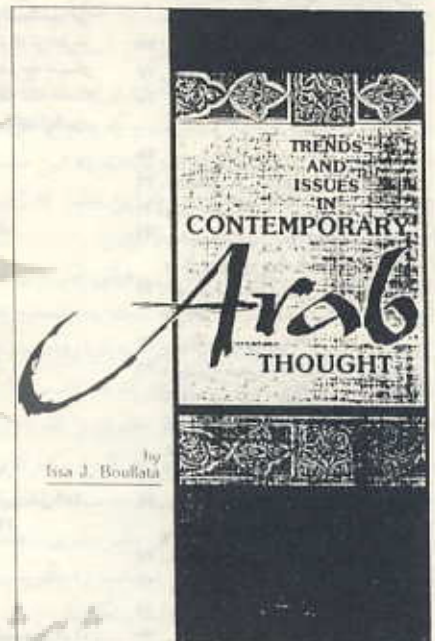
افراد این گروه، مذهب را از سیاست جدا می‌کنند و بر علم و تکنولوژی تأکید می‌ورزند. شاید برخی از آنان از یک اقتصاد سوسیالیستی پشتیبانی کنند اما اکثر آنان صرفاً خواهان بهبود سیستم اقتصادی موجوداند به نحوی که توزیع عادلانه‌تر و منطقی‌تر از ثروت ایجاد کند.

گروه سوم، آن دسته از روشنفکرانند که بایدند به جنبه مذهبی فرهنگ عربی‌اند و عناصر اسلامی فرهنگ عرب را عناصر اساسی آن می‌پندارند، عناصری که باید غالب آیند. آنها خواهان حذف تمامی تأثیرات خارجی بویژه تأثیرات غربی از جامعه عرب‌اند و بازگشت به اسلامی اصیل و ناب را توصیه می‌کنند. اسلامی که به عقیده آنان در زمان حیات پیامبر ص در جریان داشته است. این گروه بر آن نیستند که فرهنگ عرب را اصلاح یا دگرگون سازند بلکه بر آنند تا آن را با آنچه که خود آن را ریشه‌های اسلام اصیل می‌دانند منطبق

Issa J. Boullata. *Trends and Issues in Contemporary Arab Thought.*

State University of New York. Press, Albany, 1990.

# جریان‌ات و مباحث فکری معاصر عرب



فروع جهان بخش

سازند. به عبارت دیگر آنها نیز در پی یک تعبیرند اما تعبیری که احیاگر ارزشها، نهادها و ستهای گذشته است.

این گروه نه تنها با علوم و عقلانی‌گری برخوردی خصمانه ندارند بلکه آن را محصول نوین کوششهای مسلمین در طول قرون طلایی تمدن اسلامی به حساب می‌آورند و اکتساب مجدد آنها را توصیه می‌کنند. در واقع این گروه برآنند که اقتصاد و تمامیت زندگی باید با قواعد و ایدئالهای اسلام منطبق شود، همان اصول و ابدالهایی که به نظر آنان برای سعادت بشر در عصر جدید کافی و کارآمد است، چنانکه برای پشتیبان بود.

کتاب شامل شش فصل است که فصل اول آن (مقدمه) به طرح وضع دشوار روشنفکران معاصر عرب پرداخته است.

فصل دوم کتاب «میراث عربی در گفتار معاصر عرب» به بررسی نظرات آن دسته از روشنفکران می‌پردازد که در گروه‌بندی بالا در

تغییر کند که بتواند از نو ساخته شود. همچنین آنچه که تاکنون دیدگاه مذهبی جامعه به جهان و زندگی انگاشته می‌شد باید دور ریخته شود و دیدگاهی سکولار جایگزین آن گردد که ریشه در عقلانی‌گرایی، علوم و تکنولوژی داشته باشد و بر پایه اقتصاد سوسیالیستی استوار شود.

گروه دوم که قشر وسیعتری از روشنفکران عرب را تشکیل می‌دهند فرهنگ سنتی عرب را در عصر جدید قابل تداوم و تجدید و توسعه می‌بینند مشروط به فهم و تفسیر بهتر آن و همچنین اصلاح برخی از عناصر آن در پرتو نیازها و تجربیات نوین بشر امروز. آنان خواهان اصلاح جامعه عرب‌اند نه دگرگونی آن، اصلاحی که در آن برخی از ارزشهای سنتی فرهنگ عرب باید به دور ریخته شود، ولی آنان بر این عقیده‌اند که بسیاری از این ارزشها که قابلیت تفسیری مجدد و با ترکیب با عناصری دیگر را دارند می‌تواند در بهبود عملکرد عرب معاصر کارساز آفتند.

بازدارنده این تغییر مورد بحث قرار گیرد، سهم زنان نیز در این فراخوانی فراموش نشده است.

این تلاش از دو ویژگی عمده برخوردار است: اول آنکه از دیدگاهی جهان‌سومی که دچار عدم توسعه، وابستگی اقتصادی به غرب، و فقدان آدابهای اصیل سیاسی و فرهنگی است به موضوع می‌نگرد، و دیگر آنکه در بستر فرهنگ متحول کهن عربی - اسلامی در جهان معاصر صورت می‌پذیرد.

زمان مورد بحث کتاب محدود به دو دهه اخیر می‌باشد بویژه از سال ۱۹۶۷ یعنی هنگام شکست اعراب از اسرائیل، هنگامی که ضربه‌ای هوشیارکننده، بازنگرایی و انتقاد بنیادین از خویش را برای اعراب به همراه آورد و مشوق فهم تازه‌ای از گذشته عرب و ترسیم‌کننده سیمای آینده آن شد. کتاب تصویرگر فضای بحرانی اندیشه معاصر عرب است، بحرانی که چندان به خاطر تفاوت‌های موجود میان روشنفکران نیست بلکه بیشتر به دلیل وجود

ردیف اول قرار دارند. در این فصل آرای شش تن از روشنفکران عرب درباره میراث فرهنگی و چگونگی دستیابی به دگرگونی و راههای نجات از بحران بررسی شده است. این افراد عبارتند از: عبدالله المروری، ادونیس (علی احمد سعید)، طیب تیزانی، حسن مروی، حسن حنفی و عابدالجباری. فصل سوم تحت عنوان «ارتباط اسلام و قرآن

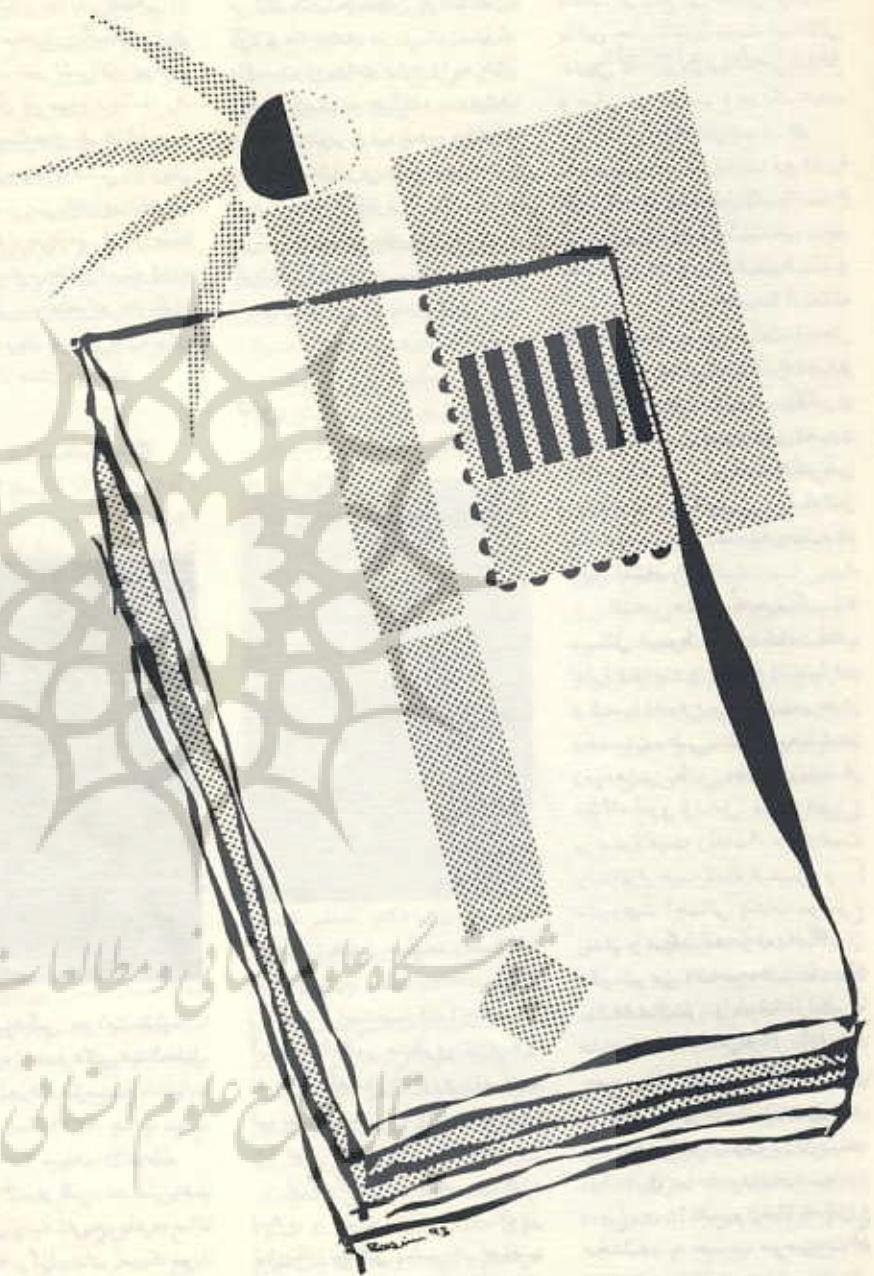
جمله محمد النویهی (مصری)، حسن صععب (لبنانی)، محمد عماره (مصری) و محمد ارغون (الجزایری) مورد تحلیل واقع می‌شود. غالب موضوعات مشترک میان این افراد عبارتند از: (۱) تحرک درونی اسلام و اقصی، یعنی اسلام قبل از آنکه علمای اولیه تعبیر و تفسیر آنرا صرفاً به خود اختصاص داده باشند. (۲) تمییز امور مذهبی از

شرایی - مورد بحث قرار می‌دهد. این وحدت موضوع، یکدستی و انسجام خاصی به این فصل بخشیده است، هرچند هر کدام از این روشنفکران رویکردی متفاوت به مسئله دارند و هر کدام راه حلی ویژه برای رفع بحران فعلی ارائه می‌دهند. این افراد اکثراً موافق عدم پیروی از الگوی غربی توسعه‌اند و در پی خلق الگوی خودی می‌باشند که بیانگر اشکال ویژه فرهنگی هر ناحیه یا کشوری خاص باشد و تنها به رشد اقتصادی نیندیشد.

نظر غالب بر آن است که وابستگی به همان اندازه که یک واقعیت اقتصادی است یک چارچوب ذهنی نیز هست. اما اصلی‌ترین موردی که این متفکران در مورد آن به توافق نرسیده‌اند، نقش اسلام و میراث عربی - اسلامی در این الگوی پیشهادی توسعه است که در یک سوی آن اقتصاددان مصری جلال امین قرار دارد. وی اتکا به میراث فرهنگی اسلام را برای اطمینان به نفس و هویت اعراب، امری حیاتی می‌پندارد و بر آن است که باید این میراث دست نخورده حفاظت شود. و در طرف دیگر نویسنده و جامعه‌شناس مراکشی عبدالکبیر الخطیبی ایستاده است که خواهان داعی همبستگی با گذشته، و تجزیه و دوباره‌سازی فرهنگ عرب، بویژه میراث اسلامی است به نحوی که دیگر هیچ بخشی از آن مقدس انگاشته نشود.

نظرات چهار تن از زنان اندیشمند و فعال سیاسی - اجتماعی عرب تحت عنوان «صدای زنان عرب» فصل پنجم کتاب را شکل می‌دهد که هر چند حوزه علاقه، فعالیت و اندیشه آنان متفاوت است اما خود بیانگر چهار شیوه گونه‌گون واکنش به شرایط فعلی زن در دنیای معاصر عرب به شمار می‌آید. ایده‌های عایشه عبدالرحمن بنت‌الشاطی ادیب و نویسنده مسلمان مصری، شمعی از نظرات و فعالیت‌های زینب الغزالی - مبارز سیاسی - به عنوان سرکرده زنان بنیادگرای مصر، و نظرات دو فمینیست (Feminist) عرب: نوال سعداوی با گرایش مارکسیستی و فاطمه مرینی جامعه‌شناس مراکشی مطالب این فصل را تشکیل می‌دهد.

نویسنده در فصل پایانی کتاب یعنی «بحران روشنفکری و مشروعیت»، عمق مسئله نارضایتی عمومی و دلزدگی روشنفکران از رژیم‌های فعلی کشورهای عربی را، علی‌رغم ثبات ظاهریشان نشان می‌دهد. به نظر نویسنده، روشنفکران عرب برای خروج از این بن بست باید هر چه بیشتر خود را به توده‌های مردم نزدیک کرده و سخنگویان واقعی آنان شوند. این مسئولیت روشنفکر عرب است که با طرح یک ایدئولوژی منسجم، رهبری یک انقلاب همه جانبه را به عهده گیرد.



امور دنیوی - و نه جدایی آنها از یکدیگر - به عبارت دیگر تمییز اقتدار دینی و سیاسی. (۳) تأکید بر عقلانی‌گری. (۴) نیاز به اجتهادی نوین که بتواند پاسخگوی مسائل امروز باشد. فصل چهارم که دربرگیرنده یکی دیگر از مباحث اساسی کتاب و مشغله عمده روشنفکران عرب است، «آزادی فرهنگی و وابستگی» را از نظر برخی منتقدان جامعه عرب - از جمله هشام

با جهان معاصر، یکی از جالب‌ترین فصول کتاب است. این فصل ابتدا به طرح و بررسی آرای سید قطب - به عنوان نماینده اصول‌گرایان اسلامی با در واقع نماینده دسته سوم در طبقه‌بندی فوق‌الذکر - می‌پردازد. ارائه اندیشه‌های سیدقطب و بحث پیرامون مفاهیم کلیدی اندیشه او مانند «جاهلیت مدرن» زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که در برابر آن آرای دسته دوم یعنی روشنفکران دینی میانه‌رو از